

Accepting the Guardianship of the Pure Imams (as) is a Practical Commitment to the Verse of Maudood

**Mohsen
Nilforoushzadeh**  *

Assistant Professor, Department of Theology and
Islamic Studies, Islamic Azad University,
Isfahan (Khorasgan) Branch, Iran

Abstract

In the Holy Qur'an, Muslims are commanded to pay a wage for the blessings of guidance given to them by the Prophet of Islam (peace and blessings of Allaah be upon him). This issue is related to the manners of the previous prophets who did not ask for wages from their nations and considered their wages as the responsibility of God Almighty; it is different. Therefore, this research has been done on the subject of loving the Commander of the Faithful, Imam Ali (pbuh), a follower of the path of servitude, in order to achieve the relationship of accepting the guardianship of Amir al-Mu'minin Ali (pbuh) and paying the reward of the Holy Prophet (pbuh). The content analysis method of library and documentary data has achieved the following results: Mood is a love whose effect appears in the actions of the lover. Loving along with following Imam Ali (pbuh) is paying the reward of the mission of the Messenger of God, and this is not a wage that the person of the Holy Prophet (pbuh) enjoys, but its effects and blessings go back to the loving person; And one of its most important effects is accepting the guardianship of Imam Ali (as) and expressing love to him; And the result of this friendship is moving in the path of servitude and nearness to God.

Accepted: 28/02/2024

Received: 30/12/2021

ISSN: 2228-6616

eISSN: 2476-6070

* Corresponding Author: nilmohsen@yahoo.com

How to Cite: Nilforoushzadeh, M. (2025). Accepting the Guardianship of the Pure Imams (as) is a Practical Commitment to the Verse of Maudood, *Journal of Seraje Monir*, 16(51), 261-285. DOI: 10.22054/AJSM.2023.65469.1793

Extended Abstract

1. Introduction

Love and kindness to others is the advice of all divine religions. Islam, in particular, is the religion of love and mercy (Āl ‘Imrān: 31), and the Holy Prophet (PBUH) is a divine mercy for the worlds (al-Anbiyā’: 107). The role of love and kindness in fostering similarity, like-mindedness, companionship, and togetherness is very important, and people often look to their beloved figures as role models and examples.

Research Question(s)

In this article, an attempt has been made to analyze and examine the content of the verse of *Mawaddah* (al-Shūrā: 23) and then extract the achievements of acting on this verse, to examine what is the connection between the payment of the reward of the Holy Prophet (PBUH) and the acceptance of the guardianship of the impeccable Imams (AS). Therefore, by applying various concepts and tools to understand the text's contents and the verse's functions, the results have been examined, and their findings have been used to answer the above question.

2. Literature Review

The investigation and research conducted show that various studies have been conducted on the verse of affection, such as a research article on the verse of affection, Ali Akbar Babaei, Quarterly Journal of Knowledge, No. 48, or the article on the love of the Ahl al-Bayt (AS) in the Book and Sunnah, Zahra Pourabdollah, Yas, pre-issue 4, and the article "The Reward of the Mission", Mahdi Ariyanfar, Journal of Quranic Research, Summer and Fall 2006 - issues 46 and 47, most of which approach is to introduce the word "Affection", examine the various aspects considered in understanding this verse, the position of the Ahl al-Bayt (AS) and examples of closeness, and The article is "Explanatory Analysis of the Verses of the Reward of the Prophethood," by Mohammad Reza Haji Ismaili, Journal of Interpretive Studies, Summer 2013, Year 4 - Issue 14. In this article, the apparent conflict between certain verses, which cite the prophets and the Holy Prophet, is resolved. These verses deny the claim of reward for prophethood on their part, considering it exclusive to God Almighty.

4. Results

The analysis leads to these conclusions: "Affection is a form of love that manifests in the actions of those who are cherished." Loving and following the impeccable Imams (AS) is the actual reward for the Messenger of God's mission; its benefits do not accrue to the Prophet (PBUH), but to the followers themselves. Key outcomes include openly expressing love, accepting the Imams' guardianship, and ultimately advancing on the path of servitude and closeness to God.

5. Conclusion

Accepting the guardianship of the impeccable Imams (AS) is one of the most important functions of acting on the verse of love and paying the reward of the Prophethood. In fact, the love of the Ahl al-Bayt (AS) is not a reward that the Prophet (PBUH) benefits from, but rather Muslims themselves benefit from it; it is a guide to the path of God; and it shows that the basis of raising the issue of the reward of the Prophethood is itself aimed at continuing the goals of the Prophethood and therefore it is a cause of approaching God Almighty and a factor in the salvation of man-loving and fully following the Ahl al-Bayt (AS) and drawing close to them is a command of God Almighty and leads to obedience and the attainment of God Almighty's pleasure. The remembrance of God is directly related to affection and following the Ahl al-Bayt (AS); therefore, the one who has affection for the Ahl al-Bayt (AS) is always in the remembrance of God through their remembrance and remembrance. This expression of love is a means for people to turn to them, and the impeccable Imams (AS) should be the scientific and practical reference for the people. Therefore, the affection that is supposed to be the reward of the mission is not something beyond the mission itself, the religious call, and its survival and durability. Therefore, the continuity of the line of prophethood is in accepting the guardianship and imamate of the impeccable Imams (AS).

Keywords: Prophet of Islam (PBUH), Ahl al-Bayt (AS), Imams (AS), Reward of Mission, Friendliness.

پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) با التزام عملی به آیه مودت

دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان
(خوراسگان)، اصفهان، ایران

محسن نیل فروش زاده  *

چکیده

در آیه ۲۳ سوره شوری، قرآن کریم به مسلمانان امر شده، در قبال نعمت هدایتی که توسط پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به ایشان رسیده مزدی پرداخت کنند. این مسئله با سیره انبیاء پیشین که از امت‌هایشان مزد نخواسته و مزد خود را به عهده خداوند متعال می‌دانستند (الشعراء/ ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰)؛ تفاوت دارد. لذا این تحقیق با موضوع پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) التزام عملی به آیه مودت، به دنبال پاسخ به این سؤال است که؛ چه رابطه‌ای بین پذیرش ولایت اهل بیت (علیه السلام) و پرداخت اجر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وجود دارد می‌باشد؟ با استفاده از روش تحلیل محتوایی داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی به نتایج ذیل دست یافته است: مودت، محبتی است که اثرش در اعمال شخص محب ظاهر می‌شود. دوست داشتن همراه با تبعیت از ائمه اطهار (علیهم السلام) پرداخت اجر رسالت رسول خدا است و این دستمزدی نیست که شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن بهره‌مند گردند، بلکه آثار و برکات آن به شخص محب بازمی‌گردد؛ و از مهم‌ترین آثار آن ابراز محبت و به دنبال آن پذیرش ولایت ایشان است؛ و نتیجه این دوستی حرکت در مسیر بندگی و قرب الهی است.

کلیدواژه‌ها: پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، اهل بیت (علیهم السلام)، ائمه اطهار (علیهم السلام)، اجر رسالت، مودت، محبت.

مقدمه و طرح مسئله

محبت و مهرورزی به دیگران توصیه همه ادیان الهی است (همامی و غلامی، ۱۳۹۳، ش، صص ۱۱-۱۶) و خصوصاً اسلام آئین محبت و رحمت (آل عمران/۳۱) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رحمت الهی برای جهانیان هستند (الانبیاء/۱۰۷). نقش عشق و محبت در ایجاد همسانی، همفکری، همراهی و هم سویی بسیار مهم است و مردم پیوسته از چهره‌های محبوبشان الگو و سرمشق می‌گیرند. از این رو خداوند در قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره شوری فرمان داده که به ذوی القربی، اهل بیت پیام‌آور رحمت و امید (کلینی، ۱۴۲۹، ق، ج ۱۵، ص ۲۳۱)، محبت ورزید و آنان را دوست بدارید و این را اجر رسالت او قرار داده است. در واقع این دوستی سرچشمه‌ی اعمال صالح و راه صحیح هدایت می‌باشد و آن‌قدر مهم است که مسلمانان در روز قیامت درباره آن بازخواست می‌شوند. از ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرموده‌اند که: نخستین چیزی که در قیامت از بنده سؤال می‌شود دوستی ما اهل بیت (علیهم السلام) است (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۷؛ ص ۲۶۰).

در این نوشتار سعی شده، با تحلیل و بررسی محتوای آیه مودت (الشوری/۲۳) به دنبال آن استخراج دستاوردهای عمل به این آیه، این موضوع بررسی شود که چه ارتباطی بین پرداخت اجر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) وجود دارد؟ از این رو با استفاده از مفاهیم و ابزارهای مختلف شناخت مضامین متن، کارکردهای آیه مودت مورد بررسی قرار گرفته، نتایج آن در جهت پاسخگویی به سؤال فوق استفاده گردیده است.

پیشینه موضوع

بررسی و تتبعات انجام گرفته، نشان می‌دهد، پیرامون آیه مودت، تحقیقات مختلفی صورت گرفته است، مانند مقاله پژوهشی در آیه مودت، علی اکبر بابایی، فصلنامه معرفت، شماره ۴۸ و یا مقاله محبت اهل البیت (علیهم السلام) در کتاب و سنت، زهرا پور عبدالله، یاس، پیش شماره ۴ و مقاله پاداش رسالت، مهدی آریان فر، مجله پژوهش‌های قرآنی، تابستان و پاییز

۱۳۸۵ - شماره ۴۶ و ۴۷ که بیشتر رویکرد آن‌ها معرفی واژه مودت، بررسی وجوہات مختلف متصوره در فهم این آیه، جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) و مصادیق قربی، است و مقاله تحلیل تفسیری آیات پاداش رسالت، محمدرضا حاجی اسماعیلی، مجله مطالعات تفسیری، تابستان ۱۳۹۲، سال چهارم - شماره ۱۴، است. در این مقاله به رفع تعارض ظاهری بین برخی از آیات که به نقل از پیامبران و پیامبر خاتم، مطالبه مزد رسالت را از جانب ایشان نفی کرده و آن را ویژه خداوند متعال به‌شمار آورده است. لکن موضوع این مقاله ارتباط مودت و اظهار محبت، به اهل بیت (علیهم السلام) و ارتباط آن با عبودیت خداوند می‌باشد که در این زمینه با جستجوی به‌عمل آمده، مقاله‌ای مشاهده نشد.

آیه مودت

«ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْكَ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (الشوری ۲۳):

این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد! بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزایم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.

شأن نزول آیه

از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده که هنگامی که آیه مودت بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد آن حضرت فرمود: ایها الناس! به‌درستی که حق تعالی برای من حقی بر شما واجب نموده است، آیا آن را ادا می‌کنید؟ هیچ‌یک از ایشان جواب نگفتند؛ پس حضرت برگشت و روز دیگر آمد و همان سخن را اعاده کرد و جواب نگفتند؛ در روز سوم نیز چنین کرد و هیچ‌یک از آن‌ها جواب نگفتند؛ پس حضرت فرمود که: از طلا و نقره و خوردن و آشامیدن نیست، ایشان گفتند: پس بگو، فرمود: حق تعالی این آیه را فرستاده است، گفتند: اگر این است قبول داریم و ادای آن می‌کنیم و مودت اهل بیت

تو را بر خود واجب می گردانیم.

در ادامه حضرت صادق (علیه السلام) فرمود که: به خدا سوگند که وفا به این عهد نکرده مگر هفت نفر: سلمان و ابوذر و عمار و مقداد بن الاسود کندی و جابر بن عبد الله انصاری و ثبیت آزاد کرده رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و زید بن ارقم (. حمیری، ۱۴۱۳ ق، ص ۷۸) و (. شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۳).

بررسی واژه‌ها

واژه «قل»

در قرآن این واژه گویای امری است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مأمور شده‌اند که به تمام مکلفین ابلاغ فرماید (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۲۶۰). این خطاب به رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) است که مأمور به گفتن این ابلاغ است و برای پیامبر موضعی نیست، موضع فقط ابلاغ وحی الهی است و بس. با این «قل» خواننده خوب درک می کند که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) دخل و تصرفی در کار ندارد» (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۹۳). کنایه از این است که پیامبر اختیار و قدرتی در دگرگونی پیام خداوند ندارد، زیرا او حتی از ذکر کلمه‌ای مانند «قُل» که در ظاهر کاربرد و تکرار آن بی حاصل است، دریغ نورزیده است.

بنابراین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شخصاً پرداخت چنین اجری را در مقابل رسالتشان تعیین نفرموده‌اند، بلکه خداوند امر فرموده است و ایشان هم اطاعت کرده‌اند از اینجا معلوم می شود که پایمال کردن اجر رسالت، هم تضییع حق الهی است و هم تضییع حق رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اقربای ایشان باشد. لذا یکی از مهم ترین مسائل مطرح شده در قرآن بحث در مورد اجر رسالت پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

واژه «أَسْأَلُكُمْ»

بیان درخواست از کسانی است که وظیفه دارند در قبال هدایتی که توسط رسول خدا

(صل الله علیه و آله و سلم) به ایشان رسیده، اجرای پرداخت کنند. ضمیر «کم» به لفظ «الذین امنوا» که تعبیر محترمانه و درعین حال مختص امت اسلام است، اشاره دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۲۴۷). لذا مخاطب این آیه تمام مسلمین هستند و این در حالی است که به اهل ایمان بشارت داده شده که در مقابل هدایتی که توسط رسول خدا (صل الله علیه و آله و سلم) شده‌اید و پس از انجام دادن اعمال صالحی که شمارا به بهشت جاودان خدا می‌رساند، حال مزد زحمات پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) خود را با دوستی و محبت به نزدیکان ایشان پرداخت کنید و این فرمان قطعی خداست.

کسی که به نزدیکان پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) محبت (قلبی و عملی) نمی‌ورزد، گویا مزد پیامبر اعظم حضرت محمد (صل الله علیه و آله و سلم) را پرداخت نکرده است؛ و کسی که مزد ایشان را نپردازد به پیامبر خدا (صل الله علیه و آله و سلم) ظلم کرده است. بعلاوه عدم پرداخت دستمزد پیامبری یک پیامبر، ظلم و بی‌انصافی معمولی همانند ضایع کردن دیگر حق الناس نیست؛ بلکه در اینجا حق النبی و آن هم حق پیامبر اعظم حضرت محمد (صل الله علیه و آله و سلم) ضایع می‌شود که البته به هیچ وجه دیگری قابل جبران نمی‌باشد.

افزون بر این‌ها انگیزه عدم پرداخت عوضی در حقوق مادی می‌تواند، حرص یا شهوت یا علاقه‌مندی به مال باشد؛ اما نپرداختن یک اجر معنوی که عمدتاً با یک ارادت قلبی حاصل می‌شود؛ ریشه در نوعی استکبار و لجاجت خواهد داشت و این دو عامل به اصل ایمان ضرر می‌زنند؛ نه اینکه تنها یک گناه یا ردیلت اخلاقی محسوب شود.

واژه «اجراً»

در لسان العرب در معنای واژه اجر آمده است «الجزاء علی العمل... و هو ما أعطیت من أجر فی عمل» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ۱۰)؛ پاداشی است که به کار تعلق می‌گیرد؛ چه کار دنیوی باشد و چه کار اخروی. البته بین اجر و اجرت این تفاوت وجود دارد که اجر، برای پاداش دنیوی و اخروی هر دو به کار می‌رود، ولی اجرت، تنها در پاداش‌های دنیوی استعمال می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۵).

یکی از شعارهای همیشگی که پیامبران به قوم خود گوشزد می کردند، درخواست نکردن هر نوع مزد و پاداشی برای رسالت خویش است. در قرآن کریم در سوره شعراء در آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰ که به ترتیب در آن شرح حال نوح، هود، صالح، لوط و شعیب (بیان شده است، همگی به بیان یکسانی می فرمایند: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ من در برابر این دعوت پاداشی از شما نمی طلبم، اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است.) چرا باوجود تأکید و اصرار آیات قرآن بر درخواست نکردن اجر از سوی پیامبران الهی، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به فرمان مستقیم خدا طلب اجر می کند؟ زیرا انبیای الهی گذشته از مردمانشان طلب اجر مادی و دنیوی نکرده اند و در مورد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) مطابق «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (انعام/۹۰) همین رویکرد مورد تأکید است؛ اما در آیه مودت (الشوری/۲۳) خداوند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد که از مومنان طلب اجر و مزد نماید که این اجر و پاداش مطابق «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (الفرقان/۵۷) و «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» (سبا/۴۷) چنین خواهد بود که «من برای رسالتم چیزی از شما درخواست نمی کنم، مگر دوست داشتن اهل بیت که سود آن به خودتان بازمی گردد؛ و این طلب اجر فقط برای هدایت انسان هاست؛ البته از روی اراده و اختیار، نه اکراه و اجبار!» و این سخن تعبیر جالبی است که نهایت لطف و محبت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پیروانش روشن می کند، چرا که اجر خود را سعادت و خوشبختی آنان می شمرد.

واژه «المودة»

بعضی به معنای محبت آورده اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۸۶۰). در قرآن نیز آمده است: «إِنَّ رَبِّيَ رَحِيمٌ وَدُودٌ» (هود/۹۰) کلمه «ودود» بر وزن فعول از اسمای خدای تعالی است و از ماده «ود» اشتقاق یافته و کلمه: «ود» با کلمه «حب» به یک معنا است؛ با این تفاوت که «ود» نوع خاصی از حب است و آن حبی است که آثار و پی آمدهایی آشکار دارد؛ مثل انس و همدمی و آمد و شد و احسان. اگر خدای تعالی را «ودود» خوانده به همین جهت

است که او بندگان خود را دوست می‌دارد و آثار محبت خود را با عطای نعمت‌هایش بر آنان ظاهر می‌سازد؛ نعمت‌هایی که هیچ‌کس نمی‌تواند عدد آن‌ها را بشمارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰، ص ۳۷۴).

در آیه مودت از لفظ مودّه استفاده شده و از واژه‌های دیگر که معنای محبت می‌دهد استعمال نگردیده است. لذا آوردن مودت به جای محبت دلیل خاصی دارد و شاید بتوان گفت، مودت محبتی است ویژه که بازتاب و کشش بیرونی در پی داشته باشد. مؤید این معنا آن است که مودت به عنوان اجر رسالت مطرح است و اجر امری پرداختنی است و باید ظهور و بروز خارجی داشته باشد تا بتوان گفت پرداخت شده است. پس در مودت این معنا هست، برخلاف محبت که لزوماً اثر خارجی هویدا ندارد و می‌تواند صرفاً قلبی باشد. آن چنانکه در کلام علامه طباطبایی (ره) آمده: مودت به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، پس نسبت مودت به محبت مانند نسبت خضوع است به خشوع، چون خضوع آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثر نفسانی است، که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶). لذا مودت نوعی دوستی است که در آن محبت و علاقه و وابستگی خویش را به محبوب اظهار می‌کند.

بنابراین محبت علاقه است و مودت اظهار آن علاقه همراه با شدت به محبوب و تبعیت کامل از اوست. پس منظور از مودت تنها دوست داشتن نیست؛ بلکه دوست‌داشتنی است که توأم با رهبری و مرجع بودن آن‌ها در احکام و زعامت باشد چنان که حدیث متواتر ثقلین و حدیث سفینه آن را بیان می‌کند.

واژه «الْقُرْبَى»

خویشاوندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که همان عترت آن حضرت از اهل بیت ایشان می‌باشند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آیه مودت در خصوص ما اهل بیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) که اصحاب کسا هستند نازل شده است (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۳۱) و

پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) با التزام عملی به آیه مودت؛ نیل فروش زاده | ۲۷۱

شاهد بر این ادعا روایاتی هم از طرق اهل سنت (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۱۸۱۹) و (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۰) و (رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۹، ص ۲۱) و اخبار بسیار زیادی از طرق شیعه (بحرانی ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۸۱۵) وارد شده که همه آنها آیه را به مودت عترت و دوستی با آن حضرات (علیهم السلام) تفسیر کرده است.

دوست داشتن اهل بیت (علیهم السلام)، عامل دوست داشتن خدا:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ... قَالَ وَاللَّهِ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَوَالَى غَيْرَنَا وَمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَأَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى...» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۵، ص ۳۱۱)

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند، خدا را دوست ندارد، هر که دنیا را دوست ندارد و غیر ما را دوست بدارد؛ هر که حق ما را بشناسد و ما را دوست بدارد، در حقیقت خداوند تبارک و تعالی را دوست داشته است.

همانا محبت به اهل بیت (علیهم السلام) باعث پذیرش تمام آنچه خداوند نسبت به بندگانش اراده و بر رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل فرموده می شود و این اصل محبت است (مازندرانی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱۲، ص ۸۷).

محب هر چه معرفتش نسبت به محبوبش بیشتر شود، به واسطه شناخت بیشتر، محبتش زیاده تر می شود و هر چه محبتش زیاده تر شود، به محبوبش بیشتر تقرب پیدا می کند و نزدیک می شود؛ تا جایی که به واسطه محبت شدید، تابع محض می شود و تا آنجایی پیش می رود که هر چه برای محبوب، محبوب است، محبوب وی و هر چه برای محبوب، مبعوض و ناخوشایند است، برای محب ناخوشایند و منفور می گردد.

لذا هر چه معرفت و شناخت محب نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بیشتر شود به واسطه درک بیشتر خصایص و ویژگی های منحصر به فرد ایشان، باعث ازدیاد محبت و علاقه وی به ایشان می شود و هر چه این علاقه زیاد شود، به تبع آن، محب به مقام تسلیم نائل می شود و محبوب ایشان، محبوب وی می گردد.

از آنجایی که اهل بیت (علیهم السلام) در اعلی مراتب حب الهی هستند و همواره تمام دوست داشتن ها و دشمنی های ایشان فقط و فقط برای خدا بوده، لذا انس با محبوب اول او

را تعالی می‌دهد و نردبان عروج وی می‌گردد و شخص محب به واسطه دوست داشتن ایشان، به درجه عالی دوست داشتنِ حقیقی خدا دست پیدا می‌کند.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در ذیل آیه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» می‌فرماید: «فَاتَّبِعْهُ (صل الله علیه وآله وسلم) مَحَبَّةَ اللَّهِ (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۸، ص ۲۶) پیروی از رسول خدا (صل الله علیه وآله وسلم) دوستی با خدا است. همچنین ایشان به نقل از رسول خدا (صل الله علیه وآله وسلم) می‌فرمایند: یا علی، تو و امامان بعد از تو سروران امت من هستید، هر کس ما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است...»

در زیارت جامعه به نقل از امام هادی (علیه السلام) آمده است: «مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ» در تأیید آنچه گذشت می‌توان از این روایت بهره برد: «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صل الله علیه وآله وسلم) وَلَايَةُ عَلِيٍّ بَنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) وَلَايَةُ اللَّهِ وَحُبُّهُ عِبَادَةُ اللَّهِ وَاتِّبَاعُهُ فَرِيضَةُ اللَّهِ وَأَوْلِيَاؤُهُ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَأَعْدَاؤُهُ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَحَرْبُهُ حَرْبُ اللَّهِ وَسَلْمُهُ سَلَامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

پیامبر اسلام (صل الله علیه وآله وسلم) فرمودند: ولایت علی (علیه السلام) ولایت خداست و دوست داشتن ایشان عبادت خداست و تبعیت از ایشان واجب خداست و دوست داران ایشان دوستان خدا و دشمنان ایشان دشمن خدا هستند. جنگ با ایشان جنگ با خداست و هر کس در صلح و سازش با ایشان باشد در صلح و سازش با خداست (ابن بابویه، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۲).

مودت به ائمه اطهار (علیهم السلام) رهنمون راه خدا:

در دعای شریف ندبه که از منابع پرمحتواست چنین آمده است: خدا از شما اهل بیت رسول (صل الله علیه وآله وسلم) هر رجس و ناپاکی را دور می‌سازد و کاملاً پاک و مبرا می‌گرداند، سپس مُزد محمد (صل الله علیه وآله وسلم)؛ را دوستی آنان مقرر کردی و در کتاب خود فرمودی: بگو من از شما مُزدی نمی‌خواهم، الا مودّت خویشانم. بگو همان اجر

پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) با التزام عملی به آیه مودت؛ نیل فروش زاده | ۲۷۳

رسالتی را که خواستم؛ به نفع شماست و باز فرمودی: بگو من از شما امت اجر رسالتی نمی‌خواهم، جز آنکه شما راه خدا را پیش گیرید. پس ایشان، طریق و راهبر به‌سوی تواند (ابن طاووس، ۱۳۳۰ ق، ص ۵۵۵)

لذا با عنایت به فرمایش امام صادق (علیه السلام) (در دعای ندبه)، چنانچه آیات (الشوری/۲۳) و (سباء/۴۷) و (الفرقان/۵۷) را طبق ترتیب آمده در این دعا کنار هم قرار دهیم به نتیجه بسیار مهمی درباره مودت خاندان رسالت دست می‌یابیم:

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در آیه اول (الشوری/۲۳) مودت اهل بیت (علیهم السلام) را مزد رسالت خویش معرفی می‌کنند و در آیه دوم (سباء/۴۷) تذکر می‌دهد این مزدی که درخواست نمودم، سودش برای مردم است، نه برای من. در آیه سوم (الفرقان/۵۷) توضیح می‌دهد که فلسفه این مودت (مزد) این است که یگانه راه پرورش و تکامل و حرکت به‌سوی کمال مطلق و تنها راه پیاده کردن اسلام در جامعه بشری است.

با دقت و توجه در دو آیه (الفرقان/۵۷) و (الشوری/۲۳) استفاده می‌شود که در حقیقت این دو چیز که مورد استثناء قرار گرفته، دو حقیقت جداگانه ندارند و درواقع دو استثناء بر عموم قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ و لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا وارد نشده است، بلکه حقیقت این دو مستثنی یک‌چیز بیش نبوده ولی به دو صورت بیان شده است. در آیه (الفرقان/۵۷) پیدا نمودن راه به‌سوی خدا و در آیه (الشوری/۲۳)، مودت ذوی القربی استثناء شده است و این نکته مهم نتیجه می‌دهد که این دو عنوان دارای یک حقیقت واحد هستند، راه خدا همان مودت ذوی القربی است و مودت به اهل البیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) همان راهی است که بنده برای وصول به مقام توحید اتخاذ می‌کند. در نتیجه با عنایت به آنچه گذشت می‌توان این گونه بیان نمود که ای پیامبر بگو: من از شما هیچ مزدی طلب نمی‌کنم مگر آنکه شما با مودت به نزدیکانم راهی به‌سوی خدای متعال پیدا کنید.

در تأیید مطلب فوق از دعای ندبه استفاده می‌شود که «فكانوا هم السبيل إليك و المسلك إلى رضوانك» (آنها (ائمه حق) راه به‌سوی تو و طریق وصول به رضوان تو

بودند). لذا معلوم می‌شود مودّت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) راه خداست. در معانی الاخبار شیخ صدوق (ره) آمده است: جابر از حضرت باقر (علیه‌السلام) نقل کرد که راجع به این آیه پرسیدم: «وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّم» (آل عمران/۱۵۷) (اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید) فرمود: میدانی راه خدا چیست؟ گفتم: نه بخدا، مگر از شما بشنوم؟ فرمود: راه علی (علیه‌السلام) و فرزندان او است؛ هر که در راه ولایت او کشته شود در راه خدا کشته شده و هر که در ولایت او بمیرد در راه خدا مرده. (مجلسی ۱۴۰۳ ق، ج ۲۴، ص ۱۶۷).

طبق آنچه گذشت این گونه می‌توان گفت که نتیجه مودت اقرای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) راه خداست و این راهی است که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) طی بیست و سه سال رسالتشان به مردم نشان داده، به سوی آن راهنمایی فرمودند. لذا اجر رسالت سود شخصی برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ندارد، بلکه فایده آن به خود مردم بازمی‌گردد و این آیه نشان می‌دهد که اساساً طرح مسئله اجر رسالت، خود در راستای استمرار اهداف رسالت است و در حقیقت سود آن به مؤمنان بازمی‌گردد.

مردی به سلمان گفت: چه قدر زیاد و شدید به علی (علیه‌السلام) محبت می‌ورزی؟ سلمان در پاسخ گفت: زیرا از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می‌فرمود: هر کس علی را دوست بدارد در حقیقت مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست بدارد؛ قطعاً خدا را دوست داشته و هر کس به علی بغض و دشمنی بورزد حقیقتاً با من دشمنی نموده و هر کس به من بغض ورزد به تحقیق با خدا اعلام دشمنی کرده است (فرا ت کوفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۵۴۳).

ابن ابی الحدید از ابورافع صحابی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند: من برای عیادت ابوذر به صحرای ربذه رفتم؛ چون می‌خواستم با او وداع کنم و برگردم به من و همراهانم گفت: به زودی فتنه‌ای به پا خواهد شد؛ بنابراین از خدا بترسید و بر شما باد بر آن بزرگوار علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) و از دامن او دست بردارید و از او پیروی کنید و... (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۳، ص ۲۲۸).

پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) با التزام عملی به آیه مودت؛ نیل فروش زاده | ۲۷۵

امام علی بن الحسین (علیه السلام) می فرمایند: روزی جابر، خود را روی دست و پای حضرت امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) انداخت و بر آن‌ها بوسه زد، مردی از قریش که از بستگان مروان بود بر او خرده گرفت و اعتراض کرد که چرا با این سن و سال و موقعیتی که داری به دست و پای این دو می‌افتی؟ جابر گفت: ای مرد از من دور شو؛ اگر تو فضل و مقام این دو بزرگوار را به آن گونه که من می‌دانم می‌دانستی هیچ گاه ایراد نمی‌گرفتی، بلکه خاک زیر پای ایشان را هم می‌بوسیدی و... (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۱۱۱) جابر با بیان این حدیث ارادت و محبت خود را به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اعلام نمود.

از مجموع آنچه گفته شد، به‌خوبی پیداست سلمان محمدی (فارسی) و ابوذر و عمار و مقداد و جابر بن عبدالله انصاری از جمله معدود کسانی هستند که به‌واسطه اطاعت از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و مودت به اهل بیت ایشان خصوصاً حضرت علی (علیه السلام) از فتنه گمراهی بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نجات یافتند و توانستند ایمانشان را حفظ کرده در مسیر حق باقی بمانند و منحرف نشوند.

در مقابل، پس از ماجرای سقیفه و بیعت با خلیفه اول، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) برای استیفای حق خویش و این که ایشان با توجه به آیات قرآن (تطهیر (الاحزاب/۳۳)، مباحله (آل عمران/۶۱)، ولایت (المائدة/۵۵)، اولی الامر (النساء/۵۹)، مودت (الشوری/۲۳)، اکمال دین (المائدة/۳) و...) و همچنین به‌تصریح رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث ثقلین (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۳۱، ص ۳۷۶)، غدیر خم (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۱۰۸)، حدیث منزلت (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص ۳۴۸) و... جانشین پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند، از مسلمانان یاری خواستند. ایشان به‌اتفاق حضرت فاطمه (علیها السلام) و دو پسر بزرگوار خود امام حسن و حسین (علیهما السلام) شب‌ها به در خانه انصار و دیگران می‌آمدند و از آنان یاری می‌خواستند؛ ولی به‌جز چند نفر کسی از ایشان حمایت نکرده (ناظم زاده، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۵)؛ و حتی عده‌ای از صحابه برخلاف سفارش‌های مؤکدی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به مودت، محبت و

گرامی داشتن حرمت یگانه دخترشان فرموده بودند ایشان را مورد ظلم و ستم قرار دادند و در نهایت به شهادت رساندند (قمی، ۱۳۷۹، ص ۹۳).

لذا به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی انحراف مردم پس از رحلت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) عدم مودت و محبت عملی در مقابل امام علی (علیه السلام) بوده؛ زیرا در آیه مودت ابراز محبت به ایشان بدون هیچ قید و شرطی از مردم خواسته شده، بنابراین چگونه می‌شود کسی را با تمام وجود دوست داشت ولی نسبت به او ظلم نمود؟! و از انجام خواسته‌ها و دستورات وی خودداری کرد؟! اگر امت صدر اسلام به درستی اجر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را پرداخت نموده بودند، به واسطه محبتی که بین ایشان و حضرت علی (علیه السلام) شکل می‌گرفت و به واسطه تبعیتی که حاصل مودت به ایشان است، یقیناً از انحراف از راه خدا مصون می‌ماندند، همانند کسانی چون سلمان و ابوذر و امثال ایشان که زندگی‌شان سراسر عشق به مولایشان حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بوده و به واسطه محبتشان به اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) ایمانشان را حفظ نمودند. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم): حُبُّ عَلِيٍّ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ق، ج ۲، ص ۸۶).

بنابراین هرکس مودت (دوستی قلبی و عملی همراه با تبعیت کامل) ائمه اطهار (علیهم السلام) را داشته و خود را ملزم به آن بداند در راه خداست. از طرفی دیگر نیز عداوت دشمنی و عدم تبعیت از ایشان نیز باعث گمراهی و انحراف از راه حق و حقیقت می‌شود.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم): «... مَنْ حَبَسَ أَجِيرًا أَجْرَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا وَ هُوَ مُحِبُّ آلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام)» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۲۳، ص ۲۳۸): (پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که مزد اجیرش را ندهد لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد و روز قیامت از او هیچ چیزی پذیرفته نیست و آن محبت آل محمد (علیهم السلام) است.) به حکم عقل تا لطف هست باید تشکر نیز باشد و اگر امروز لطف پیامبر (صلی الله

پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) با التزام عملی به آیه مودت؛ نیل فروش زاده | ۲۷۷

علیه و آله و سلم) شامل حال ما شده و ما به اسلام هدایت شده‌ایم باید مزد رسالتش را پردازیم و اگر مزد رسالت، مودّت اقرّای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم است، امروز هم باید قُربایی باشد تا نسبت به او مودّت و اطاعت داشته باشیم. آری، امروز هم باید نسبت به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) مودّت داشته و نسبت به او مطیع باشیم. مگر می‌شود بگوییم مسلمانان صدر اسلام مأمور بودند مزد رسالت را پردازند و نسبت به قُربای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مودّت داشته باشند، ولی مسلمانان امروز یا این وظیفه را ندارند و یا اقرّایی نیست تا به او مودّت بورزند و مزد رسالت را پردازند.

عقل انسان از اینکه مودّت قربا، پاداش پیامبری قرار گرفته که صدها میلیون نفر را به هدایت و سعادت و فضل کبیر الهی رسانده می‌فهمد، که اقربا و کسانی که مورد مودّت هستند، برترین افراد بشر و معصوم‌اند. زیرا هرگز مودّت شخص گنهکار، پاداش پیامبر معصوم قرار نمی‌گیرد. نمی‌توان باور کرد که مودّت افرادی گنهکار بر مسلمین جهان در طول تاریخ واجب باشد. لذا گذاشتن دست بشر در دست غیر معصوم نه تنها ظلم به انسانیت است، بلکه ظلم به تمام هستی است.

پذیرش ولایت اهل بیت (علیهم السلام) پرداخت اجر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

قبول دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و پیروی از قرآن حاوی نتایج ارزشمندی است که نصیب افراد و جامعه اسلامی خواهد شد و بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اهل بیت ایشان (علیهم السلام) به دستور خداوند متعال وظیفه دارند، ادامه‌دهنده این چنین رسالت خطیری باشند و تا پایان جهان بشریت، دعوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را در جهان طنین اندازند؛ نتیجه آن، هدایت و سعادت همیشگی جامعه اسلامی است؛ که مردم بهره‌مند می‌شوند؛ بدون اینکه ایشان کمترین اجر و مزد مادی را انتظار داشته باشند؛ جز اینکه مردم همان‌طور که دعوت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را به دین اسلام می‌پذیرند؛ همان‌طور نیز با مودت و رابطه اعتقادی و قلبی به اقرّای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) این دعوت را به گوش نسل‌های بعدی برسانند

(حسینی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۵).

در معنی واژه «مودّه» توضیح داده شد، محبت علاقه است و مودت اظهار همراه با شدت آن علاقه به محبوب و تبعیت کامل از اوست. لذا آیه شریفه مردم را به مودت اهل بیت پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) و نه به محبت ایشان دعوت می کند و آن را اجر رسالت می داند، پس منظور از مودت تنها دوست داشتن نیست، بلکه دوست داشتن است که توأم با رهبری و مرجع بودن آن‌ها در احکام و زعامت است.

تذکری در اینجا لازم است و آن اینکه همانا محبت به انسان فاضل و کامل و مودت داشتن نسبت به او باعث می شود انسان به مدارج بالای کمال صعود کند؛ زیرا هنگامی که انسان شخصی را از صمیم قلب دوست بدارد، سعی می کند حرکات و سکناش شبیه او گردد و آنچه خوشایند او نیست را ترک کند. لذا یکی از آثار بارز محبت به پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) تبعیت عملی از ایشان است؛ لذا شرط تکریم ایشان، انجام دادن عمل مشروع است. پس مودتی که اجر رسالت فرض شده چیزی ماورای خود رسالت و دعوت دینی و بقاء و دوام آن نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۸، ص ۴۲)؛ بنابراین وجوب اطاعت در آن نهفته است. پس باید توجه داشت وجوب اطاعتی که پاداش رسالت و متناسب با آن است جز امامت نمی تواند باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۱۹).

مودّت با دو چیز همراه است: اول شناخت و معرفت، زیرا تا انسان کسی را نشناسد نمی تواند به او عشق بورزد. دوم اطاعت، زیرا مودّت بدون اطاعت، تنها محبت است. از سویی دیگر در آیه: قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ (سبا/۴۶) یک انحصار بیان شده که علامه طباطبایی (ره) آن را این گونه توضیح می دهد: در احتجاج حدیثی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: منافقین به رسول الله (صل الله علیه و آله و سلم) عرض کردند: آیا بعد از واجباتی که تاکنون پروردگارت بر ما واجب فرموده تکلیف دیگری هنوز مانده یا همه تکالیف بیان شده؟ اگر هنوز واجبی مانده بفرماید تا خاطر ما آسوده شود و بدانیم که دیگر تکلیفی جز آنچه در دست داریم نیست. در پاسخ این سؤال که منافقین

کردند، خدای تعالی این آیه را نازل فرمود: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ» یعنی بگو من شما را به یک چیز پند می‌دهم و مراد از آن یک چیز ولایت است. «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ قَالَ يَعْنِي الْوَلَايَةَ» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۶۴)؛ آن گاه آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (المائدة/۵۵) در بیان آن نازل شد و در بین امت هیچ اختلافی نیست که در آن روز و قبل از آن کسی از مسلمین جز یک نفر در رکوع صدقه نداده (تا آخر حدیث) (. طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۶، ص ۲۰). لذا با در نظر گرفتن روایات متعددی که ذیل آیه فوق آمده به یک نکته بسیار مهم دست می‌بابیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به فرمان خدا مأموریت مهمی داشتند و آن ابلاغ ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) به مردم و ترغیب ایشان در قبول این ولایت و تبعیت کامل از ایشان بوده است.

راغب اصفهانی می‌نویسد: ولایت، یعنی یاری کردن و ولایت، یعنی زمامداری و سرپرستی امور و گفته شده است که ولایت و ولایت مانند دلالت و دلالت است و حقیقت آن «سرپرستی» است. ولی و مولی نیز در همین معنا به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۸۸۵).

ابن اثیر می‌نویسد: ولی، یعنی یاور و هر کس امری را بر عهده گیرد، مولی و ولی آن است. سپس می‌گوید: «من کنت مولاه فعلی مولاه...» به همین معناست و سخن عمر که به علی (علیه السلام) گفت: تو مولای هر مؤمنی شدی یعنی ولی مؤمنان شدی. (ابن اثیر جزری ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۲۹).

در کلام شهید مطهری (ره) آمده است: ولاء محبت یا ولاء قرابت به این معنی است که اهل البیت (علیهم السلام)، ذوی القربی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اند و مردم توصیه شده‌اند که نسبت به آنها به طور خاص، محبت بورزند و آنها را دوست بدارند. قرآن کریم از زبان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تصریح می‌کند که پاداشی که از شما خواستم «یعنی مودت ذوی القربی» فایده‌اش برای خود شماست. ولاء محبت، مقدمه و وسیله‌ای برای سایر ولاءها است. رشته محبت است که مردم را به اهل البیت

(علیهم‌السلام) پیوند واقعی می‌دهد تا از وجودشان، از آثارشان، از سخنانشان، از تعلیماتشان، از سیرت و روش ایشان استفاده کنند» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۷۲).

به این ترتیب آیا مودت اقرای حضرت محمد (صل الله علیه و آله و سلم) جز مسئله ادامه خط مکتب اسلام به وسیله رهبران الهی و جانشینان معصوم که همگی از خاندان پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) بوده‌اند امر دیگری می‌تواند باشد؟ منتها چون مسئله مودت پایه این ارتباط بوده در این آیه با صراحت آمده است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۱۰).

فخر رازی می‌گوید: با احادیث متواتر از رسول خدا (ص) ثابت شده که او علی و حسن و حسین را دوست می‌داشت، هنگامی که این معنی ثابت شود؛ محبت آن‌ها بر تمام امت واجب است؛ چون خداوند فرموده: «وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (الاعراف/۱۵۸): (از او پیروی کنید تا هدایت شوید) و نیز فرموده: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ» (النور/۶۳): (کسانی که فرمان او را مخالفت می‌کنند از عذاب الهی بترسند) و نیز فرموده: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران/۳۱): (بگو اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست دارد) و نیز فرموده: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (الاحزاب/۲۱): (برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود) (فخرالدین رازی ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص ۵۹۵).

نتیجه‌گیری

بنابراین می‌توان این گونه جمع‌بندی نمود که پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از مهم‌ترین کارکردهای عمل به آیه مودت و پرداخت اجر رسالت است و مودت اهل بیت (علیهم‌السلام) در حقیقت پاداشی نیست که پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) از آن بهره‌مند گردند، بلکه خود مسلمین از آن منفعت می‌برند؛ رهنمون راه خداست؛ و نشان می‌دهد که اساس طرح مسئله اجر رسالت، خود به هدف استمرار اهداف رسالت است و لذا باعث تقرب به خدای متعال شده و عامل رستگاری انسان است.

دوست داشتن همراه با تبعیت کامل از اهل بیت (علیهم‌السلام) و تقرب به ایشان امر

پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) با التزام عملی به آیه مودت؛ نیل فروش زاده | ۲۸۱

خدای تعالی است و موجب طاعت و سبب تحصیل رضای خداوند متعال می شود. یاد خدا با مودت و تبعیت از اهل بیت (علیهم السلام) ارتباط مستقیم دارد؛ بنابراین کسی که مودت اهل بیت (علیهم السلام) را دارد، به واسطه ذکر و یاد ایشان همواره به یاد خداست. این ابراز محبت، وسیله ای است برای این که مردم به ایشان رجوع کنند و ائمه اطهار (علیهم السلام) مرجع علمی و عملی مردم قرار گیرند. پس مودتی که اجر رسالت فرض شده است امری فراتر از خود رسالت و دعوت دینی و بقا و دوام آن نیست؛ بنابراین تداوم خط نبوت در پذیرفتن ولایت و امامت ائمه اطهار (علیهم السلام) می باشد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mohsen
Nilforoushzadeh



<http://orcid.org/0000-0001-8907-3609>

منابع

قرآن کریم

- ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ ش)، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، محقق / مصحح: طناحی، محمود محمد، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ ش)، الأمالی (للصدوق)، تهران: ناشر: کتابچی.
- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۳۰ ق)، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، قم: دار الرضی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، ۱۵ ج، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
- بحرانی سید هاشم، (۱۴۱۶ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: ناشر بنیاد بعثت.
- حسینی همدانی سید محمد حسین، (۱۴۰۴ ق)، انوار درخشان، تهران: ناشر کتابفروشی لطفی.
- حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳ ق)، قرب الإسناد (ط - الحديث)، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- راغب اصفهانی حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- رامیار محمود، (۱۳۶۹ ش)، تاریخ قرآن (رامیار)، تهران: امیر کبیر.
- رشیدالدین میبدی احمد بن ابی سعد، (۱۳۷۱ ش)، کشف الأسرار و عده الأبرار، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- زمخشری محمود، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
- طباطبایی سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم موسوی همدانی سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طیب سید عبد الحسین، (۱۳۷۸ ش)، طیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- فخرالدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) با التزام عملی به آیه مودت؛ نیل فروش زاده | ۲۸۳

فرات کوفی ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ ق)، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

قمی، عباس، (۱۳۷۹ ش)، کلبه احزان (داستان زندگی بانوی بزرگ هسنی حضرت فاطمه (علیها السلام))، مترجم، محمد باقر محبوب القلوب، تهران: نشر آفاق.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۲۹ ق)، کافی (ط - دار الحديث)، ۱۵ ج، ناشر: دار الحديث، قم.

مازندرانی، محمد صالح بن احمد، (۱۳۸۲ ق)، شرح الکافی - الأصول و الروضة للمولی صالح المازندرانی، ۱۲ ج، المكتبة الإسلامية، تهران.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة البخاری، أبو عبد الله، (۱۴۱۰ ق)، الجامع الصحيح المسند من حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه (صحيح البخاری)، بی جا: دار ابن كثير.

مطهری مرتضی، (۱۳۸۰ ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.

مکارم شیرازی ناصر، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.

ناظم زاده قمی، اصغر، (۱۳۸۵ ش)، اصحاب امام علی (علیه السلام): شرح زندگی ۱۱۱۰ صحابی امیر المومنین، قم: موسسه بوستان کتاب.

نعمان محمد بن محمد (شیخ مفید)، (۱۴۱۳ ق)، الاختصاص، قم: کنگره شیخ مفید.

همایی، عباس؛ غلامی، عبدالله؛ (۱۳۹۳ ش)، جایگاه عقلانی اخلاق و محبت در ادیان توحیدی، نشریه پژوهش دینی، شماره ۲۸، صص ۱-۲۰.

References [In Persian & Arabic]

- The Holy Quran.
- Ibn Abī al-ran.d, A. (1404 AH). *Shar404 AH). n.alāgha*. (Ibrāhīm, M. Ed). Qom: Maktabat Āyat Allāh al-Mar‘ashī al-Najafī.
- Ibn al-Athīr Jazarī, M. (1367 SH). *al-Nihāya fī Gharīb al-arīb al-āh al-Mhar*. (T ī Gh, M. Ed). Qom: Mu’assasah Maal-āh al-Mharashī al-Ibn Bābawayh, M. (1378 AH). *Uyūn Akhbār al-Ri(137AS)*. Tehran: Nashr Jahan.
- Ibn Bābawayh, M. (1376 SH). *al-Amālī* (by al-wayh, M. (1376 SH).abchi.

- Ibn al-wayA. (1330 AH). *Jamāl al-Usbū' bi Kamāl al-'Amal al-Mashrū'*. Qom: Dar al-Riza.
- Ibn ManD-Usbū. (1414 AH). *Lisān al-'Arab*. (Vol. 15). Beirut: Dar al-Fikr.
- Bahrānī, H. (1416 AH). *al-Burhān fī Tafṣīr al-Qur'ān*. Tehran: Bonyad Ba'that.
- Hosseini Hamadani, M. (1404 AH). *Anwar Derakhshan*. Tehran: Ketabforooshi Lutfi.
- Himayrī, A. (1413 AH). *Qurb al-Isnād* (Modern edition). Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt.
- Rāghib Isfahānī, H. (1412 AH). *al-Mufradāt fī Gharīb al-Qur'ān*. Damascus & Beirut: Dar al-'Ilm al-Dar al-Shamiyya.
- Ramyar, M. (1369 SH). *Tarīkh Qur'ān (Ramīyār)*. Tehran: Amir Kabir.
- Rashid al-Din Maybudi, A. (1371 SH). *Kashf al-Asrār wa 'Iddat al-Abrār*. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Zamakhsharī, M. (1407 AH). *al-Kashshāf 'an hshāf 'an (1407 AH).catio*. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.
- Ṭ Beirut: Dām. (1417 AH). *al-Mīzān fī Tafṣīr al-Qur'ān*. (M. Mousavi Hamadani, Trans). Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Society of Teachers.
- Ṭayyeb, A. (1378 SH). *A (1378 SH). cations Office of Qom*. Tehran: Islamic Publishing.
- Fakhr al-Dīn al-Rāzī, A. (1420 AH). *Maḥāṭib AH). al-Rāzī, ffice of* . Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Furāt Kūfī, A. (1410 AH). *Tafṣīr Furāt al-Kūfī*. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
- Qummī, A. (1379 SH). *Ahzan's Hut (the Life Story of the Great Hessian Lady Hazrat Fatima (AS))*. Tehran: Afaq.
- Kulaynī, M. (1429 AH). *al-Kāfī* (Dar al-Hadith edition, Vol. 15). Qom: Dār al-Hadith.
- Māzandarānī, M. (1382 AH). *Sharḥ al-Kāfī al-'UU al-Kāfī . (13 (12 Vols.)*. Tehran: Al-Maktabah al-Islāmiyyah.
- Majlisī, M. (1403 AH). *Bijlisī, M. (1403 AH).l-Maktabah al-Islāmiyyah.Hadith.l-Alisī* (Beirut edition, 111 Vols.). Beirut: Dār Ion, 111 Vols.). Beirut: Dāmueirut: Dār Ismā'īl ibn Ibrāhīm ibn al-Mughīrah al-Bukhārī, A. (1410 AH). *al-Jāmi' al-i' al-m ibn al-Mughīrah al-Bukhārī, A. (PBUH) wa Sunanihi wa Ayyāmihi* (Sahih al-Bukhari). N.p.: Dār Ibn Kathīr.
- MuDār Ibn Ka. (1380 SH). *Collected Works of Martyr Mu al-Buk*. Tehran: Ṣadrā.
- Makarem Shirazi, N. (1374 SH). *Tafṣīr Nemooneh*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.

پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) با التزام عملی به آیه مودت؛ نیل فروش زاده | ۲۸۵

- Nazemzadeh Qummi, A. (1385 SH). *Ashāb Imām 'Alī (AS): Biography of 1110 Companions of Amīr al-Mu'minīn*. Qom: Boostan Ketab.
- Nu'mān, M. (Shaykh Mufīd). (1413 AH). *al-Ikhtiṣāṣ*. Qom: Shaykh Mufid Congress.
- Homayi, A; Gholami, A. (1393 SH). The Rational Basis of Ethics and Love in Monotheistic Religions. *Religious Research*. 28, 1-20.

استناد به این مقاله: نیل فروش زاده، محسن. (۱۴۰۴). پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) با التزام عملی به آیه مودت، دو فصلنامه علمی-سراج منیر، ۱۶ (۵۱)، ۲۶۱-۲۸۵. DOI: 10.22054/AJSM.2023.65469.1793



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.